

## توسل به اولیای الهی از منظر آموزه توحید

از آیات، روایات و سیره مسلمان‌ها به خوبی استفاده می‌شود که توسل جستن به پیامبر گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) جایز است و تفاوتی بین حیات و ممات آن بزرگان نیست.



از آیات، روایات و سیره مسلمان‌ها به خوبی استفاده می‌شود که توسل جستن به پیامبر گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) جایز است و تفاوتی بین حیات و ممات آن بزرگان نیست. به گزارش خبرنگار مهر، مسئله توسل به اولیاء و مقربان درگاه الهی برای حل مشکلات مادی و معنوی و واسطه قرار دادن آن‌ها در پیشگاه خداوند از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین مباحث اختلافی میان وهابیان و سایر مسلمانان است. وهابیان تصریح می‌کنند، توسل به اعمال صالحه در پیشگاه خدا اشکال ندارد، اما توسل به اولیاء الله شرک است و جایز نیست. در نوشتار حاضر به پاسخ این شبهه خواهیم پرداخت.

### چکیده

از آیات، روایات و سیره مسلمان‌ها به خوبی استفاده می‌شود که توسل جستن به پیامبر گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) جایز است و تفاوتی بین حیات و ممات آن بزرگان نیست. سیره صحابه نشان می‌دهد که آنان هم در زمان رسول خدا (ص) به او توسل می‌جستند و هم بعد از رحلت آن حضرت به قبر او پناه می‌بردند. آیاتی که مخالفان توسل به عنوان دلیل آورده‌اند، همه درباره مشرکان و عبادت آنان است و هیچ ربطی به مسئله توسل ندارد. توسل جستن به پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) هرگز به این معنا نیست که آنها نیز در کنار خداوند، ربوبیت و تدبیر امور و اجابت حوائج مردم را مستقلاً به عهده داشته باشند، بلکه توسل، تنها به معنای واسطه قرار دادن انسان‌های والاتری است که در پیشگاه خداوند، مقام و منزلت بالاتری دارند.

### مقدمه

در جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، سراسر با وسایل سر و کار داریم، آب می‌نوشیم تا رفع تشنگی نماییم، نان می‌خوریم تا رفع گرسنگی کنیم، وقتی مریض می‌شویم، دارو استفاده می‌کنیم تا بهبود یابیم و... بنابراین، استفاده از وسیله برای رسیدن به یک نتیجه، امری مسلم است و شکی در آن نیست. برای رسیدن به مقام‌های بالای معنوی هم، خداوند وسیله‌هایی قرار داده است که انسان به کمک این وسیله‌ها می‌تواند به مقامات عالی دست یابد.

### تعریف توسل

توسل در لغت به معنای تقرب جستن و یا چیزی است که باعث تقرب به دیگری می‌شود [1] و در اصطلاح، به این معنا است که انسان «موجود گرانمایه‌ای را جهت رسیدن به اهداف و نیل به مقام قرب الهی بین خود و خدا، وسیله قرار دهد. [2]

### توسل در قرآن کریم

به برخی از آیاتی که از آنها جواز توسل به انبیاء، اولیاء و مقربان درگاه الهی استفاده می‌شود، اشاره می‌کنیم.

۱. آیه توسل: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیلة وجاهدوا فی سبیلہ لعلکم تفلحون؛ [۳] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید و در راه او جهاد نمایید، باشد که رستگار شوید».

در آیه مذکور واژه «وسیله» به صورت مطلق آمده است؛ یعنی هر چیزی که مورد توجه و پسند خدا باشد، می‌تواند وسیله قرار گیرد. ممکن است این وسیله از نوع افعال باشد، مانند نماز، روزه، حج، جهاد، یا از انواع اشخاص باشد، مانند انبیا و اولیای خدا، یا از نوع اشیا باشد، مانند کعبه، حجرالاسود، مقام ابراهیم و قرآن. خلاصه هر چیزی که ما را به خدا نزدیک کند و ما را به یاد خدا بیندازد، می‌تواند وسیله قرار گیرد.

۲. آیه وحدت: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا؛ [۴] همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و از هم جدا نشوید». این «حبل الله» می‌تواند قرآن، اسلام، پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - امامان معصوم (ع) و اولیای الهی باشد. در هر حال، این آیه بر جواز توسل به غیر خدا دلالت می‌کند؛ چون «حبل الله» هر چه باشد، چیزی است که واسطه ارتباط میان مردم و خداست.

۳. آیه استغفار: «ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا لله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً؛ [۵] و اگر آنها هنگامی که به نفس خود ظلم کرده‌اند، پیش تو آیند و از خدا طلب مغفرت کنند و رسول هم برای آنان طلب آمرزش کند، خداوند را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت».

بیضاوی، مفسر بزرگ اهل سنت، می‌گوید: این خطاکاران پیش رسول خدا معذرت خواهی می‌کردند و رسول اکرم هم شفیع آنها می‌شد و خدا نیز آنها را می‌بخشید. رسول خدا حق دارد که عذر آنها را ببپذیرد و برای آنها شفاعت کند؛ گرچه جرمانشان بزرگ باشد. [۶]

امام مفسران اهل سنت، فخرالدین رازی، می‌گوید: ممکن بود بدون استغفار رسول اکرم (ص) توبه آنها پذیرفته شود، اما وقتی استغفار رسول خدا (ص) به توبه آنها ضمیمه شود، قبول توبه حتمی خواهد بود. [۷] همین کار مصداق بارز توسل به پیامبر است که خداوند آن را به مردم آموخته است و این آیه مشروعیت توسل به غیر خدا را به روشنی ثابت می‌کند.

آیت الله مکارم شیرازی می‌نویسد: از این آیه پاسخ کسانی که توسل جستن به پیامبر و یا امام را یک نوع شرک می‌پندارند، روشن می‌شود؛ زیرا این آیه صریحاً می‌گوید که رو آوردن به پیامبر و او را بر درگاه خدا شفیع قرار دادن و وساطت و استغفار او، برای گنهکاران مؤثر است و موجب پذیرش توبه و نزول رحمت الهی می‌شود. اگر وساطت و دعا و استغفار خواستن از سوی خدا شرک بود، چگونه ممکن بود در قرآن چنین دستوری به گنهکاران داده شود. منتها افراد خطاکار باید نخست توبه کنند و از راه خطا برگردند، سپس برای قبول توبه خود از استغفار پیامبر استفاده کنند. پس پیامبر آمرزنده گناه نیست؛ او تنها می‌تواند از خدا طلب آمرزش کند. این آیه نیز پاسخ دندان شکنی است به آنها که این گونه وساطت شرک می‌دانند. [۸]

۴. آیه مدح متوسلان: «قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم ولاتحولوا اولئک الذین یدعون یتبعون الی ربهم الوسیلة ایهم اقرب ویرجون رحمته ویخافون عذابه ان عذاب ربک کان مخدوراً؛ [۹] بگو: کسانی را که غیر از خدا را (معبود خود) می‌پندارند، آنها نمی‌توانند مشکلی را از شما برطرف سازند و نه تغییری در آن ایجاد کنند. کسانی را که آنان می‌خوانند، خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌جویند؛ وسیله‌ای هر چه نزدیک‌تر و به رحمت او امیدوارند و از عذاب او می‌ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز و وحشت است!»

این دو آیه بر مشروعیت توسل به افرادی که مقربانند دلالت می‌کند. مفسران اتفاق نظر دارند که «یتبعون الی ربهم الوسیلة ایهم اقرب»، مدح و توصیف برای مؤمنان است؛ زیرا آنان برای رسیدن به خدا توسل می‌جویند. البته در اینکه متوسلان باید به چه کسانی متوسل شوند، اختلاف وجود دارد، اما همگان به حقیقت جواز توسل اعتراف نموده‌اند.

مؤمنان برخلاف مشرکان به کسانی متوسل می‌شوند که اهل باشند و صلاحیت رفع مشکلات را داشته باشند. این آیه مشرکان را نکوهش می‌کند که آنها چیزهایی را عبادت می‌کنند و از آنها طلب حاجت می‌کنند که اصلاً مالک نفع و ضرر خود نیستند.

۵. آیه طلب استغفار: «قالوا یاابانا استغفرنا ذنوبنا اننا کنا خاطئین قال سوف استغفرکم ربی انه هو الغفور الرحیم؛ [۱۰] گفتند: پدرجان، از خدا برای ما آمرزش بخواه که ما خطاکار بودیم. گفت: به زودی

برای شما از پروردگارم آموزش می‌طلبم که او آموزنده و مهربان است».

از این دو آیه نیز استفاده می‌شود که طلب استغفار از دیگری، نه تنها منافات با توحید ندارد، بلکه راهی برای رسیدن به لطف پروردگار است. همین که یعقوب، پیامبر بزرگ خدا، تقاضای فرزندان را می‌پذیرد و پاسخ مثبت به آنها می‌دهد، نشان‌دهنده این نکته است که توسل به اولیای الهی امری جایز است. [۱۱]

توسل در روایات و سیره مسلمان‌ها

روایات زیادی در زمینه جواز توسل داریم. بسیاری از این روایات مربوط به توسل به شخص پیامبر گرامی اسلام (ص) است که گاه قبل از تولد و گاه بعد از تولد و یا در حال حیات و گاه بعد از رحلت آن حضرت می‌باشد. حاصل آن که تمام اقسام توسل در این روایات دیده می‌شود، به گونه‌ای که راه را بر تمام بهانه‌جویان وهابی می‌بندد. اکنون به چند نمونه از این روایات توجه کنید:

۱- احمد بن حنبل در مسند خود از عثمان بن حنیف، چنین روایت می‌کند: «مردی نابینا نزد پیامبر گرامی آمد و گفت: از خدا بخواه تا مرا عافیت بخشد، پیامبر فرمود: اگر می‌خواهی دعا نمایم و اگر مایل هستی به تأخیر می‌اندازم و این بهتر می‌باشد. مرد نابینا عرض کرد: دعا بفرما. پیامبر گرامی او را فرمان داد تا وضو بگیرد و در وضو خود دقت نماید و دو رکعت نماز بگذارد و این چنین دعا کند: پروردگارا! من از تو درخواست می‌کنم و به وسیله محمد، پیامبر رحمت به تو روی می‌آورم ای محمد من در مورد نیازم به وسیله تو به پروردگار خویش متوجه می‌شوم تا حاجتم را برآورده فرمایی، خدایا او را شفیع من گردان». [۱۲]

از این روایت به خوبی استفاده می‌شود که توسل به پیامبر گرامی اسلام (ص) به منظور برآورده شدن نیاز، به وسیله آن حضرت جایز است، بلکه رسول خدا آن مرد نابینا را فرمان داد تا آن گونه دعا کند، و با وسیله قرار دادن پیامبر (ص) بین خود و خدا، از پروردگار درخواست نماید و این معنا همان توسل به اولیای الهی و عزیزان درگاه خداوند است. [۱۳]

۲. توسل ابوطالب به پیامبر اکرم (ص) در کودکی. خلاصه حدیث چنین است: وقتی خشکسالی در مکه واقع شد، قریش نزد ابوطالب رفته و گفتند: تمام بیابان‌ها خشک شده، قحطی همه جا را در فرا گرفته، بیا برویم و از خدا طلب باران کنیم، ابوطالب حرکت کرد درحالیکه کودکی با او بود (پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم -) چهره این کودک مانند آفتاب درخشان بود. ابوطالب در حالیکه پیامبر اکرم (ص) را بغل کرده بود، پشت خود را به کعبه چسبانید و به همین کودک متوسل شد، در حالیکه در آسمان هیچ ابری نبود. ناگهان ابرها از این طرف و آن طرف در آسمان ظاهر شدند و به هم پیوستند و چنان بارانی بارید که بر اثر آن بیابان‌های خشک سرسبز شدند. [۱۴]

۳. توسل به پیامبر اکرم (ص) بعد از وفات او. قحطی شدیدی در مدینه پیش آمد. گروهی از مردم نزد عایشه رفته و چاره جویی خواستند، عایشه گفت: بروید کنار قبر پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - سوراخی در بالای سقف قبر بکنید به طوری که آسمان از آنجا دیده شود و منتظر نتیجه باشید، رفتند و آن سقف را سوراخ کردند به طوری که آسمان دیده می‌شد، باران فراوانی بارید به قدری که بعد از مدتی بیابان‌ها سرسبز شد و شتران چاق و فربه شدند. [۱۵]

۴. توسل به عباس عموی پیامبر اکرم (ص) عمر بن خطاب هنگامی که در مدینه قحطی شد به وسیله عباس بن عبدالمطلب از خدا تقاضای باران کرد و عبارتش درموقع دعا این بود: خداوندا ما به پیامبر خود متوسل می‌شویم و تو باران برای ما می‌فرستادی، الان به عموی پیامبرمان متوسل می‌شویم، برای ما باران بفرست، راوی می‌گوید: به دنبال آن باران فراوانی نازل شد. [۱۶]

۵. توسل به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) این حجر مکی در صواعق از امام شافعی پیشوای معروف اهل سنت نقل می‌کند که شافعی به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) توسل می‌جست و این شعر معروف را از او نقل می‌کند:

آل النبي ذریعتی و هم الیه وسیلتی

ارجوا بهم أعطي غداً بید الیمین صحیفتی

خاندان پیامبر اکرم (ص) وسیله من هستند. آنها در پیشگاه او سبب تقرب من می‌باشند. امیدوارم فردای قیامت به سبب آنها نامه اعمال من به دست راست من سپرده شود! [۱۷]

از روایات مذکور و روایات متعددی دیگر که از طرق شیعه و اهل سنت در این زمینه وارد شده به خوبی استفاده می‌شود که توسل به معنای مذکور، هیچ‌گونه اشکالی ندارد. سیره مسلمین در زمان زندگانی پیامبر (ص) و بعد از آن بر این بوده که به اولیاء خدا و بندگان صالحش متوسل می‌شدند، بدون اینکه در ذهن شان خطور کند که این کار شرک، بدعت و حرام است.

ختم سخن

از مطالب مذکور به این نتیجه می‌رسیم که توسل به انبیاء، امامان معصوم و اولیای الهی هیچ‌گونه منافاتی با توحید ندارد؛ زیرا اولاً؛ این مساله یک امر عرفی است که وقتی کسی بخواهد از شخص دیگری تقاضای امر مهم و با ارزشی را بکند، برای این که زودتر به هدفش برسد، در پی آن بر می‌آید که شخص سومی را که رابطه نزدیک‌تری با فرد مورد نظر دارد، بیابد و او را واسطه قرار دهد. ثانیاً؛ همان‌گونه که اشاره شد، در خود قرآن کریم آیاتی وجود دارند که در آنها به گروهی امر شده است که باید نزد پیامبر بیایند و از ایشان بخواهند که برایشان طلب آموزش و مغفرت نمایند و چون چنین نکردند، مورد توبیخ قرار گرفتند. این توبیخ حاکی از مقبولیت، مشروعیت و مطلوبیت توسل در نزد خداوند است.

ثالثاً؛ باید دانست که توسل جستن و واسطه قرار دادن انسان‌های برگزیده و شایسته‌ای همچون انبیا و امامان معصوم و اولیای الهی وقتی با توحید در دعا منافات پیدا می‌کند که بخواهیم آنان را در عرض خداوند قرار دهیم و مستقلاً از آنان چیزی بخواهیم که در این صورت توسل به معنای شرک‌ورزیدن به خدا و رقیب تراشیدن برای اوست، اما توسل جستن به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و امامان معصوم (ع) هرگز به این معنا نیست که آنها نیز در کنار خداوند، ربوبیت و تدبیر امور و اجابت حوائج مردم را مستقلاً به عهده داشته باشند، بلکه توسل، تنها به معنای واسطه قرار دادن انسان‌های والاتری است که در پیشگاه خداوند، مقام و منزلت بالاتری دارند و از قرب بیشتری برخوردارند. بنابراین توسل نه از نظر عرف و فطرت مورد خدشه است و نه از جهت قرآن، روایات و سیره

مسلمان‌ها. [۱۸]

.....

پانوشنها؛

[۱] . ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۵، ص ۳۰۱.

[۲] . حسینی‌نسب، سیدرضا، شیعه پاسخ می‌دهد، نشر مشعر، چاپ دوم، ص ۱۴۳.

[۳] . مایده، آیه ۳۵.

[۴] . آل عمران، آیه ۱۰۳.

[۵] . نساء، آیه ۶۴.

[۶] . بیضاوی قاضی ناصرالدین، تفسیر بیضاوی، ج ۱، ص ۲۲۲.

[۷] . ۲۲. فخررازی، محمدرازی، تفسیر فخررازی، ج ۶، ص ۱۶۶.

[۸] . مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۹۹.

[۹] . اسراء، آیه ۵۶-۵۷.

[۱۰] . یوسف، آیه ۹۷-۹۸.

[۱۱] . عابدی، فداحسین، «توسل» از نگاه فریقین، مجله طلوع، تابستان و پاییز ۱۳۸۳، شماره ۱۰ و ۱۱.

- [۱۲] . صحیح ترمذی، کتاب الدعوات، ج ۵، باب ۱۱۹، شماره ۳۵۷۸. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴۱، شماره ۱۳۸۵. مسند احمد، ج ۴، ص ۱۳۸، به نقل از سبحانی، جعفر، بحوث قرآنیة، قم، چاپ اعتماد، نشر موسسه امام صادق، ص ۹۵.
- [۱۳] . همان، بحوث قرآنیة، ص ۱۰۳.
- [۱۴] . ابن حجر عسقلانی شهاب الدین، فتح الباری، دارالمعرفه للطباعة والنشر، بیروت، ج ۲، ص ۴۱۱.
- [۱۵] . دارمی عبدالله بن بهرام، سنن دارمی مطبعة الإعتدال، دمشق، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۴.
- [۱۶] . بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دارالفکر لطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۱۶.
- [۱۷] . نبنانی یوسف بن اسماعیل، شواهد الحق فی الإستفتاءه بسید الخلق، اوقست: حسین حلمی ین سعید استانبولی، ص ۱۶۷.
- [۱۸] . غرویان، محسن، فلسفه توسل، پاسدار اسلام، اول آبانماه ۱۳۹۱، شماره ۳۷۱.